

Online ISSN: ۲۴۷۶-۴۴۶۹

Print ISSN: ۲۵۳۸-۲۰۳۹

www.irijournals.com

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷

صفحات ۲۹۲-۳۰۴

ویژگی حکومت صالحان از دیدگاه اسلام

مجتبی مقتدائی

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب

چکیده

از نظر شیعه، تنها اساسی که می‌تواند در بعد قدرت سیاسی مشروعیت داشته باشد، مسئله نص و نصب از جانب خداوند است. بنابراین، حاکمیتی که فاقد این اساس باشد از نظر آن‌ها غیر مشروع است و عنوان «غصب» خواهد داشت. از دیدگاه شیعه، عمده‌ترین دخل و تصرف‌های سیاسی و غیر آن - حتی مواردی از قبیل ولایت پدر نسبت به فرزند صغیرش - تنها وقتی مشروع خواهد بود که مسبوق به چنین اصلی باشد که همان «ولایت الهی» است. این مسئله، حداکثر تا پایان غیبت صغرا، معنای مثبت خود را تا حدی می‌توانست حفظ کند. ولی مهم این است که در عصر غیبت کبرا مسئله به چه صورتی باید تصویر شود. از این رو، قدرت خاصی برای فقیه، در نظر گرفته شده که از دیدگاه‌های گوناگون، شعاع کاربرد و نفوذش متفاوت بیان شده است. در این پژوهش به بررسی حکومت صالحان و ویژگی آن پرداخته شده و نتیجه این است که حکومت صالحان بر اساس آرای فقهای مسلمان شکل می‌گیرد و باید بر اساس عدالت باشد؛ اما فقیهان اگر حکومت کنند اختیار تام دارند.

کلیدواژه: حکومت، صالحان، فقیهان، عدالت، دین.

مقدمه

اسلام که کامل‌ترین و آخرین دین برای بشر است - نیل به مصالح انسانی را در وجود قانون دانسته و اجرای قانون را جز باوجود حکومت ممکن نمی‌داند. حضرت علی (علیه‌السلام) در پاسخ به خوارج، که به قصد نفی حکومت می‌گفتند: «لا حکم الا لله»، فرمودند: نعم، انه لا حکم الا لله ولكن هؤلاء يقولون لا إمرة الا لله و انه لابد للناس من امير بر أو فاجر^۱. به همین دلیل، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با ورود به مدینه، حکومت تشکیل دادند و سرپرستی جامعه نوپای اسلامی را به دست گرفتند و پس از ایشان نیز به دستور خداوند، ائمه اطهار (علیهم السلام) این امر مهم را به عهده گرفتند و در عصر غیبت نیز ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی از جانب خداوند بر عهده فقیهان نهاده شده است

در دوره غیبت صغرا به سبب تشکیک‌هایی که درباره چرایی و چگونگی غیبت امام دوازدهم به وجود آمده بود، بیشتر تلاش علما برای اثبات وجود و امامت حضرت مهدی علیه السلام متمرکز شده بود و نخبگان جامعه شیعی، در راستای حیرت‌زدایی و حل مشکلات نظری و اعتقادی جامعه، ذهن خود را در این مسائل محض کردند و عملاً نظریه امامت از بافت و زمینه اجتماعی سیاسی خارج شد و در ذیل مسائل کلامی شیعه قرار گرفت. بدین ترتیب سال‌های اولیه دوره غیبت، دوران بی‌توجهی به امر حکومت و سپهر سیاسی دین است.

تشیع امامی که از سده چهارم با اشکال گوناگون غالی‌گری و تکاپوهای سیاسی مهدی‌گرایانه مرزبندی قاطعی کرده بودند، نمی‌توانست در غیاب اقتدار سیاسی مشروع به سمت کنش‌های انقلابی برای تأسیس ساخت سیاسی آرمانی کشیده شود و از این رو هیچ‌گونه مبنایی برای تدوین تئوری سیاسی مستقل در اختیار نداشت. هر چند که منطق مضمونی اعتقاد به مبانی نص، علم و عصمت در رهبری و فرمانروایی و انحصار مشروعیت سیاسی برای امام غایب، در درون خود نفی مشروعیت حکومت عرفی و خلافت عباسی را در برداشت، اما نظر به کارکرد غیرتاریخی و کلامی باطنی‌ای که اعتقاد به غیبت امام به خود گرفته بود، اندیشه انتظار و رجعت، بعد آخرالزمانی و فراتاریخی خود را برگفتمان سیاسی اجتماعی فقیهان شیعه مسلط کرده بود. در این پژوهش بر اساس منابع اسلامی به این موضوع می‌پردازیم که حکومت صالحان که در زمان غیبت تشکیل می‌شود باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد.

پرسش‌ها

۱. در منابع اسلامی چه ویژگی‌هایی برای حکومت صالحان برشمرده شده است؟
۲. وظیفه حاکمان صالح در برابر مردم چیست؟
۳. چه ارتباطی میان حکومت صالحان و مدینه فاضله وجود دارد؟

^۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد آیتی، خ ۴۰

پیشینه پژوهش

محمدجواد یآوری، (دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع). در این اثر محقق با استفاده از کتاب کتاب «المقنعه»، به بررسی حاکمان، حکومتها و فقها در ادبیات تاریخ تشیع پرداخته و بیشترین مطالب ایشان در خصوص اندیشه سیاسی، برگرفته از کتاب المقنعه شیخ مفید می باشد.

رضا رمضان نرگسی، رساله خود را در خصوص «بازنگری آرای حامد الگار درباره روحانیان شیعه» مورد پژوهش قرار داده و سیر تکاملی ابعاد اجتماعی ولایت فقیه از دوران مغول تا مشروطه مد نظر محقق می باشد، در این تحقیق به اجمال، سعی شده مراحل رشد تاریخی ولایت فقیه و مشاهده ابعاد سیاسی و اجتماعی آن، از دوره مغول تا سالهای پیش از مشروطه در جامعه ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۲. تعاریف

۲-۱. حکومت صالحان

در کتب مقدس از به ارث رسیدن زمین به صالحان سخن رفته است. بسیاری از مفسران، مصداق ارث رسیدن زمین به صالحان را، تشکیل حکومت و تسلط آنان بر زمین دانسته اند.^۲ حکومت بر روی زمین، پاداشی است که خداوند در این دنیا به مومنان صالح وعده داده است. بیان این وعده الهی با تعبیر «لقد کتبنا» در آیه ۱۰۵ سوره انبیا نشان حتمیت و تخلف ناپذیری آن - که برخاسته از مشیت و اراده خداوند است- دارد.^۳

از آن جایی که حاکمان صالح، بینش و نگرش خاصی به قدرت و دولت دارند و آن را از آن خویش نمی شمارند بلکه امانتی می دانند که مدتی در اختیار ایشان قرار گرفته است تا با آن، مسئولیت و وظیفه ای را انجام دهند، لذا همواره در هنگام حکومت و فرمانروایی و صدور حکم و قانون یاد خدا در دل هایشان است و متوجه این نکته می باشند که دولت و قدرت فقط از آن خداست. این گونه است که در رفتار و منش و کنش های خویش به دور از هرگونه غرور و مکت و قدرت عمل می کنند و خود را بنده ای کوچک از بندگان خدا می شمارند که به مأموریتی رفته اند (یوسف آیه ۱۰۱). آنان هر کاری را به مشیت و اراده الهی انجام می دهند و توکل و اتکای ایشان خداست (یوسف آیه ۹۹ و ۱۰۱).

از ویژگی های حاکمان صالح از نظر قرآن در عمل اجتماعی و منش و کنش فردی و اخلاق شخصی و اجتماعی می توان به اموری چون اجتناب از استبداد و خودرأیی (آل عمران آیه ۱۵۹). دوری از ظلم و ستم (یوسف آیه ۷۸ و ۷۹). انجام کارهای خیر و نیک (نور آیه ۵۵). مشورت با مردم پیش از تصمیم (آل عمران آیه ۱۵۹). قاطعیت در امور و کارهای پس از مشورت و اتخاذ تصمیم و حکم (آل عمران آیه ۱۵۹). قاطعیت در امور و کارهای پس از مشورت و اتخاذ تصمیم و حکم (آل عمران آیه ۱۵۹). تقوای فردی و اجتماعی (اعراف آیه ۱۲۸ و یوسف آیه ۵۶ و ۵۷). توانایی جسمی برای انجام کارها (بقره آیه ۲۲۶ و ۲۲۷). توانایی علمی (بقره

^۲ رک: فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۱۵: ۲۷۷، ابن عاشور، بی تا، ج ۱۷: ۱۱۸
^۳ سیزواری، ۱۴۱۹: ج ۱: ۳۳۶، طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۴: ۳۳۱

آیات ۲۲۶ و ۲۴۷ و یوسف آیه ۵۵). امانت داری (نساء آیه ۵۸ و یوسف آیه ۵۴ و ۵۵). پرداخت زکات و دیگر واجبات مالی (مائده آیه ۵۵). است. از نظر قرآن حاکم صالح حاکمی است که خود را بنده خدا می شمارد (انبیاء آیه ۵۵).

۲-۲. دموکراسی صالحان

حکومت صالحان یا همان مردم سالاری دینی نوعی از دموکراسی است که اهداف تعریف شده ای دارد. در نظریه مردم سالاری دینی هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است. حکومت برای رسیدن به این هدف باید به گونه ای عمل کند تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید در مدل مردم سالاری دینی رسیدن به هدف والا و تحقق آن جز در گرو مشارکت فال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی تواند باشد آنچه که زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد قانون اساسی است که تضمین گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می کند (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۳۰۰).

در نظام مردم سالاری دینی اولاً صالحان عهده دار حکومت می کردند چون قرآن آنرا آینده نیک برای بشر پیش بینی کرده است: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» ثانیاً قانونگذاری که مبین ضابطه های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می یابد و برای این که این مهم به خوبی صورت پذیرد نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد ضرورت یافته و لازم می گردد. بهاین ترتیب مردم سالاری دینی نوعی نظام سیاسی است که در نقطه مقابل هر نوع نظام استبدادی قرار می گیرد، تضمین گر سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان است و متعهد به زمینه سازی مشارکت فعال و گسترده مردم در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز جامعه خویش است. انتخابات و انتخاب مردم تعیین کننده نهایی فرد یا افرادی است که بایستی قدرت به آنان سپرده شود (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

در مردم سالاری دینی علاوه بر شرطهای عقیدتی و منطقی دیگری که انسان خود بر اساس مصالح و منافع خویش برای انتخاب شوندهگان مقرر می دارد شرط مهم دیگری لازم شمرده شده است و آن عبارت از صالح بودن انتخاب شوندهگان است. بر اساس این قاعده قرآنی اساساً کسانی که صالح نیستند شایستگی نامزدی برای انتخاب شدن جهت حکومت کردن را ندارند همانگونه که مسانی که مثلاً شرط سنی خاص یا شرط تحصیلی خاص یا شرط تابعیتی خاص یا شرط عضویت حزبی و... را احراز نکرده باشند شایستگی نامزدی برای انتخاب شدن را ندارند (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۳۰۴).

در دموکراسی صالحان انتخاب شوندهگان مقید و ملزم به تصویب قوانینی هستند که مغایرت با شرع اسلام نداشته باشد و این مهم علاوه بر یک قید دینی عقیدتی و نظری یک قید جامعه شناسانه مردم شناسانه و وران شناسانه نیز هست که در کلیه دموکراسی ها عملاً رعایت می شود.

۳. ویژگی حکومت صالحان

ویژگی هایی که خداوند برای این جامعه ویژه بر می شمارد به واقع شاخص هایی هستند که پیشرفت جوامع با آن مولفه ها سنجیده می شود و پوچ و تهی بودن دیدگاه های نظریه پردازان غربی که افول ایدئولوژی های رقیب را دلیل برتری و فراگیری لیبرال دموکراسی و اوج تمدن و توسعه می دانند مشخص می گردد.

۳-۱. مرجعیت دین

حکومت اسلامی ساز و کار اجرایی تحقق حاکمیت الهی است که در آن دین مرجعیت دارد به این معنا که قانون برگرفته از اسلام و کارگزار آن نیز بر اساس اسلام شناسایی می شود و در مقام اجرا نیز اسلام مبنا قرار می گیرد. در مقابل حکومت غیر دینی مبنای هویتش خواسته های بشری است. در پایان تاریخ، جامعه صالحان از زمامداری حاکمان دینی برخوردار بوده و دین اسلام دینی فراگیر در آن جامعه خواهد بود که رهبرانش در اجرای کامل دین مصمم خواهند بود. به گواه «الناس علی دین ملوکهم»^۴ مردم بر آیین زمامدارانشان سلوک می کنند و «الناس بامرائهم اشته من آبائهم»^۵ مردم بیش از پدران به حاکمان خود شباهت دارند.

احاطه علمی قانونگذار به زوایای وجودی، ابعاد شخصیتی و نیازهای اساسی انسان تاثیر شگرفی در چگونگی قانونگذاری ونحوه اجرای آن خواهد داشت. خداوند به عنوان آفریننده بشر بیش از هر کس حتی خود انسان به وی احاطه دارد. این حقیقت در آیاتی از قرآن انعکاس یافته است.^۶ از سوی دیگر آموزه های وحیانی بر اجرای احکام الهی به دست فردی الهی تاکید دارند. اختلاف اساسی دیدگاه شیعه با اهل سنت نیز در همین نکته نهفته است. اهل سنت بر ولایت فقه بسنده کرده ولی شیعه بر ولایت فقیه و فقیه تاکید دارد. عطای خلافت الهی به داود و سلیمان به همین حقیقت اشاره دارد.^۷

یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله ان الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب^۸

خداوند مراجعه به طاغوت را در حل دعاوی باطل می داند و بر ضرورت مراجعه به پیامبر تاکید می کند:

یُریدونَ اَنْ یَّتَّحَاکُمُوا اِلَی طَاغُوتٍ وَّ قَدْ اَمَرُوا اَنْ یُکْفَرُوا بِهٖ وَ یُرِیدُ الشَّیْطَانُ اَنْ یُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِیْدًا. نساء/ ۶۰

علاوه بر تعیین احکام جزایی و مجازات مجرمان از سوی حاکمیت، با تربیت صحیح انسانها ضمانت اجرایی ضمانت اجرایی احکام الهی را در درون انسان ها نهادینه می کند. «الم یعلمن بان الله یری» علق/ ۱۴

^۴ مازندرانی، ۱۴۲۱: ج ۱۲: ۵۶۳

^۵ حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸، مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵: ۴۶

^۶ ق: ۱۶، ملک: ۱۴

^۷ ر.ک: مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۱: ۳۴۶-۳۴۷

^۸ ص: ۲۶

۳-۲. عدالت

مبنای حاکمیت دینی بر محور عدالت است. گسترش عدالت زمینه ساز توسعه و پیشرفت است زیرا وجود حامیت دینی در جامعه باعث ضعف جور، ظلم و استبداد می شود و به برکت آن عمیق ترین و مطمئن ترین رابطها احترام و اعتماد متقابل بین دولت و ملت در جامعه به وجود می آید. روشن است فضای همدلی و صمیمیت مناسبترین بستر رشد و تعالی را فراهم می آورد. افزون بر این حاکمیت دینی با فطرت انسانها هماهنگ بوده و با پذیرش عمومی که لازمه توسعه است روبروست

۳-۳. شایستگی زمامداران

از دیگر ویژگی های جامعه صالحان، زمامداران و کارگزاران آن جامعه است. آیه ۱۰۵ سوره انبیا بدون اشاره به نوع حکومت در پایان تاریخ ویژگی زمامداران آن را کانون توجه خود قرار داده است. صلاح و شایستگی تنها ویژگی مورد اشاره در این آیه شریفه است که مقصود از آن شایستگی در همه حوزه های شناختی و رفتاری است.^۹

تاریخ نگاری دینی درباره انسان از بدو خلقت آغاز شده و در آن حتی به چیزهایی که در مرحله جنینی می تواند موجبات سعادت و شقاوت انسان را فراهم کند توجه شده است و این نشان می دهد که هدف از تاریخ نگاری در مکاتب الهی تنها شرح ما وقع نبوده، علتها و وسایل مهم است. اهمتی دیگر تاریخ نگاری دینی در گزینش تاریخ است. در قرآن تنها به سرگذشت هایی پرداخته شده که در آن عبرتی بوده و هدفی خاص داشته و به سعادت انسان مربوط بوده است و در همان مورد هم ایجاز و اختصار رعایت شده و از ذکر برخی مطالب بی اهمیت خودداری شده است.

در نگاه قرآنی به تاریخ انسانی، حکومتها بر اساس توحید و شرک تقسیم می شوند و ظهور و افول تمدن ها نیز از همین زاویه مورد بررسی قرار می گیرد یعنی به عبارتی سیر تاریخ مواجهه جبهه حق با جبهه باطل است. جبهه حق به رهبری انبیا و اولیا پشتیبان مستضعفان و فقرا و توده های مردم و محور آن توحید است جبهه باطل به سردمداری طاغوت از جانب اغنیا و ثروتمندان پشتیبانی می شود و توجیه کننده شرک و شرک نیز توجیه کننده آن است.^{۱۰}

از نظر ابن خلدون پس از دوره پیامبر و خلفای راشدین، دیگر اجرای کامل شریعت و تحقق عدالت محض ممکن نیست و خلافت به ملوکیت در زیر سایه شمشیر و تغلب بدل گردید. بیشتر احکام سلطانی الب اوقات متکی بر جور و ستم است؛ زیرا که عدل محض در دوران خلافت شرعی است و آن هم کم دوام بود چنانکه پیامبر (ص). می فرماید خلافت پس از آن سی سال خواهد بود آنگاه خلافت به پادشاهی ستمگرانه ای بازخواهد گشت.^{۱۱}

بدین ترتیب همه حکومتها پس از مدتی که از تأسیس آنها می گذرد جبرا به تجمل، ستمگری و بی عدالتی روی خواهند آورد و به همین دلیل پس از طی مدت معینی به پیشه نمودن بی عدالتی، کشور و عمران و آبادانی را مضمحل می نمایند. دولتی که بر پایه غلبه جویی و عصبیت سازمان یافته باشد در آغاز با مردم خوشرفتاری و فروتنی خواهد کرد. نیازمندیهای دولت در آغاز اندک و

^{۱۰}. ر.ک: امام خمینی، ج ۴: ۱۸-۲۲

^{۱۱}. همان: ۷۲۹

زندگی فرمانروایان در نهایت سادگی است و به همین دلیل درآمدهای دولت با هزینه های آن برابری می کند.^{۱۲} بدین ترتیب خراج کمتری از مردم گرفته خواهد شد و همین امر زمینه مساعدی برای کوشش و فعالیت مردم فراهم خواهد کرد؛ زیرا که در نتیجه اندک بودن «باج و مقدار خراج» وضع معیشتی بهبود خواهد یافت و بر آبادی افزوده خواهد شد.^{۱۳}

زامداران و کارگزاران شایسته راهبردها و برنامه های جامعه را به شایستگی مدیریت کرده و آنرا به سوی سعادت و خوشبختی رهبری می کنند. این برنامه ها برخاسته از اندیشه پاک و رهیده از وابستگی های نفسانی و مادی است. از سوی دیگر رفتارهای رهبران خود ساخته در این جامعه پیراسته از تعارض و تناقض بوده و پیش از دیگران خود عامل به برنامه های خویش هستند چنانکه از امیر مومنان نقل شده است:

والله ما امرتکم بطاعة إلا و قد ائتمرت بها و لا نهیتکم عن معصیه إلا و قد انتهیت عنها.^{۱۴}

۳-۴. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان دین اسلام است که جزو فروع آن یعنی در ردیف نماز و روزه و حج قرار دارد. برای این امر شرایطی در نظر گرفته شده است و امکان انجام آن نیز باوجود حکومت صالح مقدور می شود. شیخ مفید در کتاب «المقنعه» در باب امر به معروف و نهی از منکر می نویسد: اجرای حدود و احکام انتظامی اسلام وظیفه «سلطان» اسلام است که از جانب خداوند منصوب گردیده است و منظور از سلطان، ائمه هدی از آل محمد یا کسانی که از جانب ایشان منصوب گردیده اند می باشد و امامان نیز این امر را به فقهای شیعه تفویض کرده اند تا در صورت امکان مسئولیت اجرایی آنرا بر عهده بگیرند (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ق: ج ۲: ۸۱۰).

در نظر اغلب تاریخ نگاران، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه مردم است در قبال سلطان جائز. ابن خلدون ضمن اشاره به فرمان خداوند بر انجام این وظیفه، توانایی انسان را شرط می داند؛ و در مورد قیام علیه سلطان جائز شرایطی را برای خروج بیان کرده است. بنابر اعتقاد برخی، وی در کیفیت و شرایط آن بحث می کند نه در اصل امر به معروف و نهی از منکر مسلحانه در قبال امیران جائز. نگرانی ابن خلدون از شورشیان و انقلابیون از این جهت است که مراعات نیرو و امکانات لازم جهت پیروزی و تفوق بر امیر ستمگر و ذی شوکت را نمی نمایند و به هلاکت و نابودی مبتلا می شوند وگرنه با مساعد بودن شرایط عینی و ذهنی برای خروج مسلحانه علیه زامدار و سلطان ستمگر وی نیز مخالفتی ندارد و آنرا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر آنها دانسته که خداوند تعالی به انجام دادن آن امر فرموده است.^{۱۵}

به نظر وی قیامی که واجد شرایط نباشد گناه است و مذمت می شود. او در زمان زندگی خود شرایط را مهیا نمی بیند و درباره داعیان انقلاب معتقد است: بیشتر ای دعوت کنندگان در این راه گناه کرده اجر نبرده هلاک می شوند؛ زیرا خدای سبحان این

^{۱۲} . همان، ج ۱: ۵۳۹

^{۱۳} . همان، ج ۱: ۵۳۶

^{۱۴} قمی مشهدی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۱۹۴

^{۱۵} . حاتمی، محمد رضا، نظریه انقلاب در اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص: ۱۴۸

وظیفه را بر آنان واجب نکرده بلکه مردم را به امر به معروف و نهی از منکر فرمان داده است اما موقعی که توانایی بر آن در امکان انسان باشد.^{۱۶} در اینجا به گفته پیامبر استناد می کند که هر که از شما منکری ببیند باید آنرا به دست خویش تغییر دهد و اگر نتوانست به زبان خود و اگر از این راه هم میسر نباشد پس به دل خود آنرا بد شمارد.^{۱۷}

۴. حکومت فقیهان

ولایت فقیه در اداره نظام حکومتی همانند منصب قضا و سمت مرجعیت وی، از طرف شارع مقدس تعیین شده است. پذیرش مردم در مرحله اثبات موثر است نه در اصل ثبوت، یعنی همانطور که فقیه جامع الشرایط افتاء دارای سمت فتوا دادناست خواه کسی مرجعیت او را بپذیرد یا نپذیرد. تنها تفاوت پذیرش و عدم پذیرش از سوی مردم این است که در صورت پذیرش مرجعیت او به فعلیت می رسد و آثار عینی به همراه دارد. حال باید دید فقها واجد شرایط حکومت کردن هستند یا خیر.

هدف در فقه نگرهبانی از احکام شریعت مقدس و منابع آنها و حراست از مبانی مستخرجه و توجه به بالندگی و پویایی آن در برابر مسائل نوظهور است. در این علم نیز همچون بقیه علوم پیش فرض هایی وجود دارد که آن پیش فرض ها خیمه این علم را سر می کنند. این پیش فرض ها همان ضروریات دین از قبیل وجوب نماز و روزه و حج و زکات و. است. در داخل خیمه و در ذیل این ضروریات، جزئیات و تفرعات قرار گرفته که محتاج به تحقیقات ارشناسانه فقهی است که تفاوت آراء و گوناگونی انظار پدیدار می شود و هر یک از فقها و مجتهدان به گونه ای خاص تفریع می کنند. شاهد بر این گفتار این است که در ضروریات دین مانند وجوب نماز و روزه و غیره تقلید نیست در حالی که در آن بخش های تفریعی که نیاز به اجتهاد و کار کارشناسانه دارد تقلید برای غیر مجتهد و محتاط واجب و ضروری است (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، مساله ۱).

اثبات ولایت فقیه یعنی این که حکومت فقیه در جامعه اسلامی لازم است و نیاز به دلیل نقلی ندارد. گرچه دلیل های نقلی یعنی قرآن و حدیث نیز بر حکومت فقها و علمای الهی صادق و شاهد و دلیل است اما اگر هیچ دلیل نقلی نیز برای حکومت دین شناسان در جامعه اسلامی نداشتیم عقل و اعتبار عقلی کفایت و دلالت می کند زیرا اگر طرف صحبت ما کسانی باشند که حکومت دین را قبول ندارند و اجرای احکام الهی را جدی نمی گیرند ارائه دلیل نقلی بسنده نیست. بلکه نیاز به استدلال دیگری داریم. همچنین در برابر کسی که می پذیرد که باید احکام الهی و قوانین اسلامی در جامعه پیاده شود و آن را لازمه اعتقاد به خدا و اسلام می داند برای اثبات ولایت فقیه نیازمند استدلال به قرآن یا روایت نیستیم زیرا جامعه ای که با قوانین اسلامی باید اداره شود اداره کننده جامعه باید این قوانین را بداند. نظارت ولی فقیه بر همه مراکز اساسی و حساس جامعه اسلامی ضرورتی است که قانون اساسی بر آن تاکید موده است و این نیاز به استدلال ندارد تعجب آور است از کسانی که استدلال می کنند تا ولایت فقیه را رد کنند. جامعه ای که ارزش هخای الهی پایبند نیست می پذیرد که یک انسان تهی از اخلاق بی اعتقاد یا هنرپیشه سرپرستی جامعه را بر عهده بگیرد اما جامعه ای که پایبند ارزش های الهی است و توحید و نبوت و شریعت الهی را قبول دارد چاره ای ندارد جز این که در رأس آن کسی را بپذیرد که شریعت اسلامی را می داند گناه نمی کند. اشتباه عمدی مرتکب نمی شود ظلم نمی کند برای خود

^{۱۶} ابن خلدون، مقدمه، ج ۱: ۳۰۵

^{۱۷} همان.

چیزی نمی خواهد برای انسانها دل می سوزاند و ارزش های الهی را بر مسائل شخصی و گروهی ترجیح می دهد (حکومت و ولایت، ۱۳۸۹: ۲۱).

در بحث از ولایت فقیه مطرح می شود که بر خداوند واجب است در زمان غیبت کبرا برای نظام بخشیدن به اجتماع مسلمانان به فقها ولایت و حاکمیت دهد. در این صورت مبحث ولایت فقیه از مباحث کلامی خواهد شد و چنانچه اینطور بگویند که در زمان غیبت کبری برای حفظ ارزش های دینی بر فقها واجب است نسبت به مردم ولایت و حاکمیت داشته باشند و یا این طور که بر مردم واجب است ولایت فقها را بپذیرند و از آنان اطاعت نمایند. در علم فقه وقتی از وجوب سخن می رود در مقابل حرمت و سایر احکام قرار می گیرد و وجوب در برابر حرمت یا واجب در مقابل حرام به معنای «هست» و «وجود ضروری» نیست بلکه به معنای باید و دستور فعل است چنانکه حرمت و حرام به معنای «نیست» و «نبود» و «عدم ضروری» نیست بلکه به معنای نباید و دستور ترک است (سائلی، ۱۳۷۸: ۱۱۶).

بنابراشکالی که مطرح می شود که اگر تعداد فقهای جامع الشرایط زیاد بود ولایت همه آنها موجب هرج و مرج خواهد شد. در اینجا پاسخ این است که راه حل آن نتخاب از سوی مردم یا مجلس خبرگان صورت می گیرد. انتخابات در هر شرایطی چه تعداد واجدان شرایط زیاد باشد یا کم باشد و یا اصلا بیش از یک نفر نباشد یک ثمره مهم دارد و آن این که مردم را پایبند و متعهد می کند و شاید به همین دلیل بوده باشد که امیر المومنین و یا حتی پیامبر اسلام بیعت می نمودند.

آیت الله جوادی آملی می گوید: رای غیر معصوم یا گزارش وی هیچگونه نقشی در ایجاد حکم یا احداث حق نخواهد داشت بلکه فقط در صورت اعتبار نقش کاشفیت دارد خواه رای عالم متخصص و خواه عامی متعارف خواه به نحو اتفاق آراء و خواه به نحو اکثر یا کثیر، لذا اجماع و عقل همانند کتاب و سنت معصومین منبع جوشش حکم و مبنای پیدایش حق نیستند بلکه مصباح تشخیص حکم و چراغ تبیین حق اند (سائلی، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

روح این سخن که آراء مردم موجب حق حاکمیت فقیه جامع الشرایط است این خواهد بود که فقیه آگاه به همه قوانین حکومت، نماینده مردم است نه نایب امام عصر زیرا نیابت خود را از مردم دریافت کرده و وکالت خویش را از وکلای خود دارد نه آن که نیابت خود را از طرف ولی عصر احراز کرده باشد (جوادی آملی، ولایت فقیه: ۲۲).

۱-۴. وجوه افتراق و اشتراک حکومت صالحان و حکومت فقیهان جامع الشرایط

حکومت صالحان و فقها هر دو در راستای حکومت اسلامی است اما تفاوتی در این بین است که به آنها اشاره می شود.

۱-۱-۴. فقیه حق ولایت دارد ولی صالحان در سایه فقها حکومت می کنند

ملا احمد نراقی در مورد محدوده ولایت فقیه می نویسد: تمامی آنچه فقیه عادل بر آن ولایت دارد دو امر است: ۱- هر آنچه پیامبر و امام که فرمانروایان مردم و دژهای استوار اسلامند در آن ولایت دارند فقیه نیز در آن ولایت دارد مگر مواردی که با دلیلی همچون اجماع یا نص یا غیر این دو استثنا شود ۲- هر کاری که مربوط به امور دین یا دنیای مردم است و از انجام آن گریزی نیست... پس آن امور وظیفه فقیه است و او مجاز به تصرف در آن امور و انجام آنهاست (نراقی، ۱۴۰۸ ق: ۱۸۸-۱۸۹).

امام خمینی در کتاب «البيع» همه اختیارات حکومتی پیامبر و ائمه را برای فقها ثابت می داند. برای فقیه عادل جمیع آنچه برای پیامبر و ائمه ثابت است از آنچه که به حکومت و سیاست بر می گردد محقق است و فرق گذاشتن معقول نیست چرا که والی

مجری احکام شریعت و مقیم حدود الهی و گیرنده خراج و سایر مالیات و متصرف در آنهاست به آنچه صلاح مسلمین است (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۶۲۶).

۴-۱-۲. اجرای حدود الهی در حکومت صالحان تحت سیطره فقهاست

از نظر شیخ مفید و قاطبه علمای شیعه، با نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در ابلاغ رسالت الهی، آن‌ها به عنوان اولین گروه از حاکمان، وظیفه دارند به تشکیل حکومت بپردازند و حدود الهی را اجرا کنند. وی می‌نویسد: من می‌گویم: ائمه اطهار علیهم السلام قائم‌مقام انبیا در تنفیذ احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت و مرتبی مردم هستند.^{۱۸}

شیخ مفید همگام با سایر فقها و متکلمان شیعه، امامت و حکومت امام علیه السلام را نوعی ریاست و رهبری عمومی برای شیعه در امور دین و دنیا می‌داند و از دیدگاه وی، امامان شیعه زعامت سیاسی و اجتماعی بر مردم دارند و اطاعت از آنان بر مردم لازم است تا حکومتشان در جامعه محقق گردد.

از جمله وظایف و اختیارات فقیه (سلطان اسلام)، در عصر غیبت، که شیخ مفید در کتاب المقنعه و برخی از آثارشان به آن‌ها اشاره نموده، عبارت است از:

۱. قضاوت: از شئون مهم حکومت است، به گونه‌ای که می‌توان گفت: روح حکومت را دستگاه قضایی تشکیل می‌دهد. این منصب، الهی است و در اصل، از آن خدا، رسول خدا و جانشینان بر حق اوست. با توجه به این که حق قضاوت به فقها داده شده، سلطان نمی‌تواند خود قضاوت را بر عهده بگیرد. حتی در دوران باستان نیز که شاه دارای فر ایزدی بود موبدان دارای سمت قضاوت بودند.

۲. اجرای حدود و قصاص: اجرای حدود و احکام الهی و تعزیرات از رسالت‌هایی است که هرگاه جامعه‌ای فاقد آن باشد نظم آن مختل می‌گردد و هرج و مرج حاکم می‌شود. وجود ضمانت اجرایی قوانین اساسی هر جامعه‌ای پشتوانه‌ای محکم برای آرامش در رفتار سیاسی افراد است و موجب استمرار حکومت قانون در آن جامعه می‌شود. در حکومت فقها، فقیه بلاواسطه حکم را اجرا می‌کند و در حکومت صالحان، سلطان و اعوانش با اجازه از فقیه حکم او را اجرا می‌کنند.

از نظر شیخ مفید، در اجرای حدود زناکار، سارق و مست، دیات، قصاص و تعزیرات، سلطان عادل متکفل است و مقصود از «سلطان عادل» امامان معصوم علیهم السلام و کسانی هستند که از جانب آنان به ولایت نصب شده‌اند، و فقهای شیعه از جانب امامان ولایت دارند که در صورت نبود ضرر و ایجاد شرایط، به اقامه آن بپردازند. فقها باید حدود الهی را اجرا کنند، دست دزد را قطع کنند، زانی را تازیانه بزنند، قاتل را قصاص کنند، حتی کسی که از ناحیه سلطان جور مسئولیت پذیرفته موظف است از این قدرت در مسیر اجرای حدود الهی و احکام خداوند و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با کافران، بهره گیرد.

همچنین شیخ مفید معتقد است: ولایت بر قصاص نیز از حقوق حکومت فقهاست و دیگران، حتی اولیای مقتول، حق اجرای آن را ندارند. وی می‌نویسد: متولی امر قصاص حاکم است و دیگری نمی‌تواند مجری چنین کاری باشد؛ چنان‌که متولی قصاص قاتل عبد نیز حاکم است...

^{۱۸}. محمدبن محمد مفید، اوائل المقالات، ص ۶۵

مجموع بیانات شیخ مفید نشان می‌دهند که ایشان اجرای مستقیم و بدون اجازه قصاص را امری غیرقانونی و نامشروع می‌دانند. این رفتار هرچند مشمول احکام ویژه قتل و قصاص نخواهد بود، اما حکومت می‌تواند آن را پیگیری کند و با آن به عنوان تخلف قانونی برخورد نماید.

۳. امر به معروف و نهی از منکر: با اینکه شیخ مفید در بسیاری از ابواب مهم فقهی، به اختصار سخن گفته، اما در این باب، قدری مفصل بحث نموده است. او در آغاز، دو آیه قرآن کریم بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده و سپس سه روایت در این زمینه آورده و آن‌گاه به بررسی مراتب و شرایط آن پرداخته است:

«شما بهترین امتی بوده‌اید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.»^{۱۹}

در این آیه، خداوند مؤمنان را همان‌گونه که با ایمان به خداوند ستوده است، آنان را برای امر به معروف و نهی از منکر، مورد ستایش قرار داده و این بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد؛ زیرا محتوای این تقارن، وجوب است.

آنچه روشن است اینکه در عصر شیخ مفید دستگاه خلافت عباسی در سرکوب شیعیان و اشاعه فساد و ظلم و تفرقه بین شیعه و سنی کوتاهی نمی‌کرد. از سوی دیگر نیز دستگاه دولتی آل بویه با سیاست تسامح و تساهل، به طور کلی، خلافت عباسی را سرکوب نکرد. از این‌رو، هنوز ترس حرکت‌های ضد شیعه وجود داشت. به همین دلیل و نیز به دلیل تشکیل حکومتی با مدیریت فقیهی عادل، شیخ مفید با جدیت زیاد، به زنده نگاه داشتن اصل «امر به معروف و نهی از منکر» همت گماشت و آن را از واجبات اعتقادی شیعه برشمرد.^{۲۰}

۴. جلوگیری از احتکار: از نظر شیخ مفید، حاکم اسلامی می‌تواند جامعه را به سوی اقتصادی سالم سوق دهد و با محتکران در جامعه اسلامی برخورد کند. وی می‌نویسد: سلطان می‌تواند محتکر را مجبور کند تا غله‌اش را بیرون ببرد و در بازارهای مسلمانان به فروش برساند. این در زمانی است که مردم احتیاج آشکار به آن داشته باشند؛ اما می‌تواند به حسب مصالح مسلمانان، آن را قیمت‌گذاری هم بکند.

۵. اجرای تعزیرات: مجازات جرمی که از سوی شارع معین نشده و امر آن به عهده حاکم شرع گذاشته شده است، «تعزیر» نام دارد، بر خلاف «حدود» که میزان و کیفیت آن از سوی شارع مقدس مشخص گردیده است. در موارد متعددی، شیخ مفید قایل به تعزیر شده و اندازه و انجام آن را به تشخیص حاکم واگذارده است

۶. دریافت و مصرف خمس و زکات: از دیگر مسائل مهم فقه سیاسی، بررسی مسئله «خمس» و مصارف آن است. از بررسی مجموعه ادله‌ای که در این زمینه از آیات و روایات به ما رسیده، چنین استنباط می‌شود که «خمس» مالیاتی مربوط به منصب امامت امام است. ایشان آورده است: برخی معتقدند: باید خمس را برای امام زمان کنار گذاشت. اگر پیش از ظهور حضرت، بدهکار خمس در آستانه مرگ قرار گرفت، خمس را به شخصی که عقل و دبانتش مورد وثوق است وصیت کند تا او آن را به امام زمان

^{۱۹}. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

^{۲۰}. محمدبن محمد مفید، المقنعه، صص ۸۰۹-۸۱۱

(عج). تحویل دهد در صورتی که او ظهور امام را درک کند. در غیر این صورت، او هم باید وصیت کند تا خمس به صاحب حق اصلی، یعنی حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج) برسد.

این قول نزد من، از تمامی اقوال گذشته روشن‌تر است؛ زیرا خمس حق امام غایب است و او برای این حق در زمان غیبت، موردی را مشخص نکرده است. بر این اساس، باید آن را برایش حفظ کرد تا ظهور کند و حق خودش به وی برسد.^{۲۱}

بنابراین، از مجموع وظایف و اختیارات فقیه در زمینه زمامداری و ولایت، که از شیخ مفید نقل گردید، می‌توان فهمید که مهمترین وظیفه و هدف، اجرای احکام اسلام است. زیرا اجرای احکام شأنی از شئون فقیه است. اگر امکان تشکیل حکومت اسلامی بود باید آن را تشکیل داد و تمام تلاش را برای اجرای احکام الهی به کار برد، و اگر امکان چنین امری نبود، هر مقدار که ممکن است باید اجرا شود.^{۲۲}

علامه حلی متأثر از صلاح الدین حلبی و سید مرتضی، معتقد است که دخالت فقیه در کارهای حکومتی، جایز بلکه در جاهایی برای اقامه حدود یا احقاق حقی و ابطال باطلی واجب است.

ایشان در این خصوص می‌گوید: قد روی انمن استخلفه سلطان ظالم علی قوم و جعل الیه اقامه الحدود، جاز له أن یقیمها علیهم علی الکمال و یعتقد انه انما یفعل ذلک باذن سلطان الحق لا باذن سلطان الجور

ایشان در موارد زیادی تأکید می‌کند که اگر در موردی برای فقیهی توان اقامه حدود توسط حاکم ظالمی فراهم شود، او باید اقدام کند با اعتقاد به اینکه او ماذون از سوی امام زمان (عج) می‌باشد، نه به اذن سلطان جور.^{۲۳}

نتیجه‌گیری

در این پژوهش حکومت صالحان و حکومت فقها را از دید قرآن و آموزه‌های فقهی مورد مطالعه قرار دادیم و دیدیم که حکومت صالحان که از سوی خداوند وعده داده شده شامل حکومت سلاطین عادلانی است که با نظر فقهای جامع‌الشرایط کشور را اداره می‌کنند و اختیارات آن‌ها برای کشورداری منوط به اجازه فقهاست. از سویی حکومت فقها را بررسی نمودیم و گفتیم با توجه به اینکه در سنت و روایت به تشکیل حکومت اسلامی از سوی فقها تأکید شده، در صورتی که فقیه جامع‌الشرایط رئیس حکومت باشد اختیارات تام دارد که البته طبق نظر فقها دو نوع حکومت ولایت فقیه وجود داشت: «اداره حکومت» و «ولایت بر حکومت»؛ و دیدیم که دامنه اختیارات ولایت بر حکومت گسترده‌تر بوده و شهروندان ملزم به رعایت قوانین در این نوع حکومت هستند و حق مخالفت ندارند. در مقایسه با حکومت صالحان با فقیهان این نکته را باید متذکر شد که گرچه صالحان نیز حکومت دینی تشکیل می‌دهند اما دامنه اختیارات فقیه را ندارند و نمی‌توانند حدود را از جانب خود اجرا کنند و باید طبق نظر فقها جامعه را اداره کنند.

^{۲۱}. شیخ مفید، المقننه، ص ۲۸۶.

^{۲۳}. حلی، تذکره الفقها، ج ۱، ص ۴۵۹.

منابع

۱. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی تا)التحریر و التنویر، بی جا: مؤسسه التاریخ.
۲. حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳ ش)تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
۳. حلی، احمدبن محد (۱۳۶۵)المهذب البارع، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۴. سبزواری نجفی، محمدبن حبیب الله (۱۴۱۹ ق)ارشادالاذهان، بیروت: دارالتعارف.
۵. شیخ مفید، (۱۴۱۰ ق)المقنعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ ق)المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی.
۷. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
۸. قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا (۱۴۱۱ ق)کنزالدقایق، به کوشش: درگاهی، تهران: وزارت ارشاد.
۹. مازندرانی، محمد صالح (۱۴۲۱ ق)شرح اصول کافی، به کوشش: سید علی عاشور، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ ق)من هدی القرآن